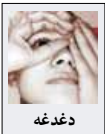




روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسؤول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف
تلفن: ۸۸۶۵۸۵۷۵ – نامبار: ۸۸۶۵۴۳۹۲
نشانی اینترنتی: www.sharghnewspaper.ir
سازمان آگهی‌ها: ۲۴۲۰۱۹۹
امور مشترکین: ۸۸۴۴۱۳۸-۴۴
توزیع: شرکت نوآوران جهان رسانه ایرسا – تلفن: ۸۸۸۲۳۳۹۰
چاپ کلریز: جاده قدیم کرج، فتح ۱۷، پلاک ۲۹ تلفن ۶۶۸۲۳۳۴۶

صلح پایدار

کریم مجتهدی



دغدغه

ستیز و گریز از اولین نشانه‌های صیانت ذات و انطباق با محیط طبیعی است، با این حال، به نظر نمی‌رسد به هیچ‌وجه ستیز و جنگ می‌نمایند و از لحاظی جنبهٔ اکتسابی دارند، نه طبیعی. جنگ در میان گروه‌های اجتماعی سازمان‌یافته و به نحو اخص میان دول نظاممند و هدفمند، واجد تشکیلات ارتشی مجهز و با افراد تعلیم‌دیده انجام می‌گیرد، همچنان که صلح نیز یا طبق رضایت متقابل یا صرفاً به نحو تحمیلی، بر اساس معاهده‌های حساب‌شده مدون و منعقد می‌شود. افزون بر این اگر ستیز و گریز- در حد حیات حیوانی- تاریخ ندارد و به نحو مفهومی تحول‌ناپذیر است، برعکس نزد انسان تاریخی مفاهیم جنگ و صلح در سیر زمان و با پیشرفت سریع صنایع و نحوه زندگانی متحول می‌شود و رسوم و عادات نه فقط به صورت ابداع بلکه در اثر انتقال و اقتباس از قومی به قوم دیگر می‌رسد و همچنین براساس عوامل بسیار دیگر فرهنگی و اقتصادی تغییر می‌یابد و حتی ضوابط و نحوه متمایزسازی و مفهوم جنگ و صلح نیز عوض می‌شود. مثلاً در نیم قرن اخیر- شاید برای اولین بار در تاریخ بشری- از جنگ سرد صحبت شده که در واقع منظور جنگ همراه با نوعی صلح موقت بوده است و اگر دقت کنیم -بدون اینکه به صراحت گفته شود- امروز نیز اغلب از صلحی صحبت می‌شود که دائماً با جنگ‌های ظاهرآ موقت است. البته از طرف دیگر به نظر می‌رسد این دو مفهوم -مثل همه مفاهیم متضاد- تا حدودی همدیگر را می‌طلبند و در انعکاس در یکدیگر معنی پیدا می‌کنند. البته مفهوم صلح در عصر جدید و خاصه بعد از قرن هفدهم میلادی مورد توجه واقع شده و به مرور یکی از موضوع‌های اصلی مورد بحث در فلسفه درآمده است. از این دوره به بعد ادعا بر این بوده که «عقل بهتر از هر چیز دیگر میان مردم تقسیم شده است» و این نظر اعم از اینکه آن را مثل دکارت فطری بدانیم یا مثل منور افلاطون که این ذهن را صرفاً اکتسابی و کسبی تلقی کنیم، ما را وادار می‌کند که ارزش صلح را بشناسیم و از جنگ احتراز بورزیم. منظور البته بر کنار نهادن کل جنگ‌ها نیست، بلکه باید اشاره به این نکته کرد که در کتاب‌های فلسفی و خاصه حقوقی، دیگر فقط از جنگ به عنوان یک بحث صحت نمی‌کنند، بلکه از «حق جنگ و صلح» با هم سخن می‌گویند، تا هر چه بیشتر از جنگ ممانعت کنند و بر امکان برقراری صلح بیفزایند. از آن تاریخ به بعد ضمن اینکه نویسندگان زیادی با ادعای تجدد و منورالفکری بیش از پیش نه فقط زشتی‌ها بلکه کاملاً جنبه عبت جنگ‌ها را توصیف و افشاگری کرده‌اند (مثلاً در داستان‌های ولتر فرانسوی)، گروه دیگری هم مستقیماً درباره صلح و امکان برقراری و پایداری آن، آثاری را منتشر کرده‌اند که به ترتیب با هم می‌توان «سن بی‌پای فرانسوی را نام برد که به سال ۱۸۱۳ رساله «صلح پایدار» خود را منتشر کرده است. از این لحاظ به نظر می‌رسد کانت کاملاً به آرمان‌های قرن هجدهم و به عقاید بعضی از افراد خاصه «سن بی‌پر» پایبند بوده است و به دنبال آنها در چارچوب فلسفه نقادی و روش استلاعی خود به بحث در زمینه «صلح پایدار» پرداخته است. رساله به نحوی که امروزه در اختیار ماست از تحلیل شش نکته تمهیدی به عنوان شرایط اولیه صلح و سه مقاله اصلی و دو ضمیمه و دو متن اضافی تشکیل شده که البته هر یک از این قسمت‌ها باید مستقلاً تحلیل و بررسی شود که این کار از حوصله این گزارش کوچک خارج است. ولی نکته‌ای که در اینجا باید تذکر داد این است که محتوای این رساله در نظام کلی فلسفه نقادی پیش‌بینی شده بود و در واقع حدود ۱۵ سال قبل از انتشار رساله، کانت عنوان آن را در قسمت روش‌شناسی استلاعی در بحث انضباط عقل محض صراحتاً در کتاب «نقادی» آورده است. برنظرف نظر از این مطلب، کانت در ابتدای رساله خود یادآور شده که عنوان به سوی «صلح پایدار» بر کتیبه‌ای بر سرسرد یک مهمانخانه در هلند نوشته شده که در کنار آن منظره قبرستانی را نقاشی کرده‌اند. او بعداً اضافه می‌کند که البته مخاطب همه مردم‌اند و احتمالاً به‌طور اخص نظر به روسای دول است که هیچ‌گاه از جنگ سیر نمی‌شوند و شاید هم مخاطب فقط فلاسفه باشند که روایهای شیرین صلح را در سر می‌پروارند. بعد، باز توضیح می‌دهد که معمولاً سیاستمدار توجه به عمل دارد و تصور می‌کند نظریه حکیم مدرسی کارساز نیست و کاربرد ندارد. از لحاظی در گفته کانت طنز و کنایه خاصی وجود دارد، ولی او در واقع می‌خواهد اعلام کند نظر فیلسوف واقعاً ارزش دارد و او باید مسوولیت خطیر فکر خود را بر عهده بگیرد. در ضمیمه دوم کتاب که جنبه سری نیز داشته و فقط در چاپ دوم آورده شده است، کانت صریحاً اشاره کرده که نباید انتظار داشت امرا به فلسفه بپردازند یا فلاسفه ریاست کنند، بلکه بهتر است فقط اجازه داده شود فلاسفه آزادانه سخن بگویند که این برای هر گروه لازم‌تر است. به هر ترتیب کانت می‌خواهد مطابق ساختار معماری گونه نظام کلی فلسفه خود، به نحوی از اخلاق به حقوق و احتمالاً از حقوق عمومی به حقوق بین‌المللی و مساله صلح راه پیدا کند که البته پایه و اساس اصلی به نظر او همان اخلاق است. ولی از آنجا که فلسفه اخلاق کانت و دستورات سه‌گانه آن ماتقدم هستند و «کلیت»، «نسایت» و «ضرورت» که در آنها ضمن دارند، درونی به نظر می‌رسند به نحوی که گویی هیچ چیز از خارج به فاعل اخلاقی تحمیل نمی‌شود و او به صرافت طبع مکلف است و اراده به خیر دارد.

به انتخاب نقاش: چند دلیل برای تماشای نمایشگاه «باغ گل و پرندگان» ریشه‌های مشترک فرهنگی

گیزلا سینایی



نمایشگاه «باغ گل و پرندگان» حاصل دو سال کار بی‌وقفه من است. این روزها بخشی از این آثار را در گالری سینین کنار هم قرار داده‌ام تا بازخوردها را نسبت به این رویکرد و وام گرفتن از هنر ایرانی اصیل ببینم. در تمام این چند دهه‌ای که با هنر ایرانی آشنا شده‌ام سعی کرده‌ام این مضامین را در سیمای قرار بدهم و به برداشت‌های جدید برسم و این بار هم گل و مرغ را انتخاب کرده‌ام. در این نمایشگاه ۱۳ تابلوی نقاشی، دو اره، دو ساطور، یک قمه و شش دشنه که روی همه آنها گل و مرغ نقش بسته است در معرض تماشای مردم قرار گرفته است. برداشت من از گل و مرغ ایرانی این بار در قالب کلاغ خودش را نشان داده است. به هر حال نقاشی از گل و مرغ» این نگاه بوده است. در عین حال آدم‌هایی کلاغ را به عنوان حیوان زیرک دوست دارند و برخی هم او را مظهر واهه و خبر بد می‌دانند. برای من کنتراست کلاغ و فضای بهشتی گل و مرغ جالب توجه بود. درباره چیدمانی که در کنار این نقاشی‌ها می‌بینید باید بگویم این دومین بار است که در کنار نقاشی‌هایم رمز مفهومی را تجربه می‌کنم. در گذشته جاقو و دشنه‌هایی را می‌دیدم که روی دسته آنها بسیار کار هنری می‌کردند، حتی روی دسته این اسلحه‌ها گل و مرغ نقاشی می‌کردند در حالی که با همین اسلحه‌ها بهشت و زندگی آرام آدمیان دچار خدشه و آسیب می‌شود که من آنها را در چند تابلو به تصویر درآورده‌ام.

در گذر زمان: دستگیری صدام حسین تنها نبود

فریدون مجلسی



دیروز ۲۱ آور، بود، شب سالگرد اعدام عبرت‌انگیز صدام حسین. ۴۵ سال پیش در چنین روزی به انتقال گروهی از مه‌دوره‌های دانشگاهی وارد بغداد شدیم. چند سالی از کودتای عبدالکریم قاسم و قتل‌عام خانواده سلطنتی و نوری سعید نخست‌وزیر مقتدر و آنگلوویل عراق می‌گذشت. سرنوشت قاسم نیز بهتر از نوری سعید نبود. جسدش را در برابر دوربین تلویزیون نشان دادند و سپس نوبت به کشنده‌اش عبدالسلام عارف رسید، و او در سانه‌های هوایی و احتمالاً عمدی کشته شد و اکنون نوبت برادرش عبدالاحممن بود. که بعدها او نیز در کودتایی از سوی گروه یعنی صدام حسین سرنگون شد. تاریخ عراق تاریخی خونین است. در آن روزگار همه جا آثار فعالیت‌های عمرانی دوران قاسم، که متوقف مانده بود، به چشم می‌خورد. فکر می‌کنم برای مردان سیاسی هیچ چیز بدنام‌کننده‌تر و بدتر از فساد مالی نیست. در دوران حیات من دو رهبر دیکتاتور مثال‌زدنی هستند؛ یکی فرانکوی دست راستی افراطی در اسپانیا. که هر چه بود درد نبود و در اعتقاداتش صادق بود. دیگری عبدالکریم قاسم دیکتاتور دست چپی افراطی عراق. که برخلاف فرانکو و به شیوه خاورمیانه‌ای قلابی خوینن یافت‌ا اما هنگام مرگ جز لباس‌هایش و تختی نظامی در اتاقی در وزارت دفاع عراق ملی نداشت. ولی همان سفر دانشجویی طی دیداری از یکی از مراکز اداری عراق نقشه‌ای بر دیوار دیدیم که کویت را در دل عراق جای داده و نام لواءالبصره(الجوبیو بر آن نهاده بودند) نمی‌دانستم آن نامگذاری چه پیام خونینی در خود داشت. شاید عبدالحکیم عامر عاقبت‌به‌خیرترین فرمانروای عراق بوده است، زیرا گرچه با کودتایی سرنگون شد اما توانست به اردن بگریزد و تا چهار نین سال پیش که زنده بود دیری زیست. جانشینان یعنی او اغلب مردمانی روستایی‌تبار و فاقد تربیت مدنی و آکادمیک و نظامی و بسیار خشن و سودجو و بی‌اخلاق بودند. زمانی که صدام جانشین

پیشهاد: در حاشیه اکران فیلم روز دهم

گمشده ایرانیان

فرید مدرسی



فیلم «روز دهم» داستان یک زندگی است؛ زندگی معمولی یک ایرانی که در کربلا و نجف دنبال گمشده‌اش می‌گردد؛ گمشده‌ای که سال‌ها ندیده است. اما همچنان به آن عشق می‌ورزد. برای دیدنش لحظه‌شماری می‌کند سر در گریبان می‌گیرد، می‌گرید، فریاد می‌زند و خود را به آب و آتش می‌زند تا او را ببیند، ببوید، نوازش کند و در آغوش بگیرد. داستان اگرچه داستان امروز است، اما روح آن عشق پایدار و مستمر ایرانیان به کربلا و نجف است. گمشده اصلی، حرמה‌ای پروز و گداز و پرچاذبه است که سال‌ها ایرانیان راه به آنجا نداشته‌اند. گام‌های تند در بازار خویش پیرامون حرم حضرت امیر(ع) اشک بر چهره می‌نشانند و دل را می‌لرزاند. گویی سال‌ها در آن دیار زیسته‌ای و وطن دیگرت آنجاست. خاک نجف مجذوبی می‌کند و خرابه‌های آن مظلومیت را به تصویر می‌کشد، دیالوگ‌های عادی؛ اما پرطنین دیلستگی می‌آفریند. بغض در گلو می‌شکند و همراه



سال پنجم ■ شماره پیاپی ۱۱۳۵ ■ شماره ۲۱۱ دوره جدید ■ دوشنبه ۲۲ آذر ۱۳۸۹ ■ ۷ محرم ۱۴۲۲ ■ ۱۳ دسامبر ۲۰۱۰

آخر

به انتخاب نقاش: چند دلیل برای تماشای نمایشگاه «باغ گل و پرندگان»

ریشه‌های مشترک فرهنگی

گیزلا سینایی

در اینجا هم به جای دسته‌ها روی تیغه‌های تیز و برنده جاقو و اره گل و مرغ نقاشی کردم. چندی پیش از برگزاری این نمایشگاه ۱۵ تابلو از این مجموعه را در بوداپست به نمایش گذاشتم، در این نمایشگاه دو نقاش دیگر یکی از ایتالیا و یکی از فنلاند هم آثارشان را به نمایش گذاشته بودند اما نکته جالب اینجا بود که هر کدام از بازدیدکنندگان که در بوداپست به دیدن این نمایشگاه می‌آمدند خیلی زود به کشف فرم‌های شرقی در این تابلوها اشاره می‌کردند و بازی‌های شرقی را تشخیص می‌دادند و برایشان جالب بود. عنوان این نمایشگاه «قطه ملاقات» بود و هر کسی حرف خودش را در تابلوهایش زده بود، اما مجارهایی که به تماشای نقاشی‌ها می‌آمدند نقشی از کلدوزی‌های فولکلور و صنایع دستی اروپای شرقی برایشان لابه‌لای این گل و مرغ‌ها زنده می‌شد که به نظم نشان می‌دهد همچنان با وجود همه تفاوت‌های فرهنگی وقتی پای طبیعت به میان می‌آید اشتراکات فرهنگی بیشتر و بیشتر می‌شود. به هر حال تا اینجا کار از برخورد‌های این دو نمایشگاه راضی هستم، پنج سال بود که نمایشگاه انفرادی در ایران برگزار نکرده بودم، اما این روزها به نظم اینکته هنرمند و نقاش یک سیر را دنبال کند و مجموعه‌ای را در همان خط سیر خلق کند تاثیرگذاری بیشتری دارد، چراکه مخاطبش هم در برخورد با چنین مجموعه‌ای به درک روشن‌تری از آنچه هنرمند مدنظرش بوده، می‌رسد.

یاد: سالروز تولد احمد شاملو

جای شاملو خالی است

آیدین آغداشلو



جای‌ی در دآوری مجموعه دستاوردهای درخشان و فضیلت‌های خاص یگانه شاعر بزرگی می‌تواند داشته باشد. شاملو را باید در تمامیت او دید و بررسی کرد: شاملوی شاعر، شاملوی محقق، شاملوی روزنامه‌نگار، شاملوی فرهنگ‌نویس، شاملوی مترجم و شاملوی فرانزه. و حق است شاملوی فرانزه را در این میان از یاد نبریم و این فرزانیگی را با سایه شاعری و دیگر خصیصه‌هایش می‌وشانیم چراکه او با تکیه بر این فرزانیگی بود که می‌توانست هر دستاوردی را معنایی دیگر ببخشد و فرهنگ دروازش را ارتقا دهد. جای شاملو بسیار خالی است و چون هر جای خالی دیگری داغ اندوهی عمیق بر جان‌مان خواهد ماند.

ضد پیشهاد: سرپال تماشا نکندید

یاد یاران قدیمی

فریدون فرهودی



کوتاه‌شده و تنک؛ مثل جوان‌های امروزی و دیگری عکس جیمز دین را نمایش می‌دهد با یک تی‌شرت تنگ چسبان که مد این روزگار است. عکس‌ها آنقدر وسوسام کرد که داخل کتابفروشی سرک کشیدیم. در این کتابفروشی‌ها می‌توانید کتاب‌های نایاب و خیلی قدیمی را پیدا کنید؛ از آن دست کتاب‌هایی که در نوجوانی و جوانی ما بوده است و یاد یاران قدیمی را در ذهن‌مان زنده می‌کند، به قول حافظ شیرازی: مصلحت‌دید من آن است که یاران همه کار/ بگذارند و خم طره یاری بگیرند. حالا من هم با دیدن کتاب «شلوارهای وصله‌دار» رسول پرویزی، «مرگ در پاییز» اکبر رادی و «توب» غلامحسین ساعدی یاد یاران قدیمی‌ام افتاده‌ام و آنقدر شگفت‌زده‌ام که می‌خواهم بگویم همه سریال‌ها را کنار بگذارید و سراغ کتابفروشی‌ها را بگیرید، زمان را از دست ندهید. همین حالا دکمه استبت دی‌وی‌دی‌پلیرتان را فشار دهید و مابقی سریال را بی‌خیال شوید. در عوض سری به این کتابفروشی‌ها بنزید و کیف کنید و کتاب بخردی. شاید هم سر راهتان چند دی‌وی‌دی‌فروش پیدا شود که عوض‌های جدید را با زیرنویس فارسی بفروشند. عوض یک سریال می‌توانید چند فیلم روز ببینید و از سینمای روز غافل نشوید.



همایون شجریان در سراسر ایران می‌خواند

همایون شجریان بعد از اجرای موفقیت‌آمیز خود در تهران و شیراز قرار است بعد از محرم و صفر در شهرستان‌های مختلف از جمله بوشهر، اهواز و بروجرد به اجرای موسیقی بپردازد. محمدعلی رفیعی (مدیر برنامه‌های محمدرضا و همایون شجریان) در گفت‌وگو با ایلنا گفت: مجموعه آلبوم «آب، نان، آواز» که تاکنون در اروپا و ایران اجرا شده، قرار است به صورت جدی‌تر در شهرستان‌های مختلف که محدودیت اجرای موسیقی نداشته باشد، اجرا شود.

تهران : اذان ظهر ۱۱:۵۸ اذان مغرب ۱۷:۰۲ اذان صبح فردا ۵:۳۶ طلوع آفتاب ۷:۰۶



فرهنگ مواد مخدر

سیدعلی میرفتاح
mirfattah@yahoo.com

کرگدن، سمیوسه به دست و کیف به کول از عرض خیابان رد شد که زودتر به کار و بارش برسد. برای اینکه کسی حیوان بودنش را به رخش نکشد، رفت چند قدم بالاتر که از خط‌کشی عبور کند. با این‌ حال لابه‌لای چند فخش و ناسزا، حیوانی را هم شنید که خودش را به نشنیدن زد. توی تهران بعضی آدم‌ها هم حتی عادت کرده‌اند در طول و عرض خیابان، حیوان خوانده شوند. حیوانات که جای خود دارند. فعلاً چیزی که بیشتر فکر کرگدن را به خودش مشغول کرده بود همین کپه‌ری بود که نسبت به صبح هم بیشتر می‌خارید، هم بیشتر می‌سوخت. با خودش گفت حتی اگر دکتر نرم، موقع برگشتن، پشتم را به دکتر داروخانه نشان می‌دهم. شاید پمادی بدهد یا پودری رویش بپاشد که دردش آرام شود. دردش مهم‌تر از خارش‌اش بود. اگر یکی جلوی سوزش‌اش را می‌گرفت، خودش از پس خاراندنش برمی‌آمد. ضمن اینکه بدش نمی‌آمد لذت حاصل از خاراندن را دوباره تجربه کند. خیلی وقت بود، شاید از زمانی که از بیشه به شهر آمده بود، خودش را درست و حسابی نخارنده بود. یاد بیشه افتاد، آن روزهای گرم و شرجی که به همراه خانواده کوچکش در گودالی از گل و لجن، غلت می‌خورد و خارش پوست کلفتش را می‌خواند. چقدر داش برای پدرش، مادرش، خواهرش و برادر کوچکش تنگ شده. او آمده بود که چهار سال درس بخواند و هنری یاد بگیرد و برگردد، اما توی تهران باگیر شد و رفتش را به تعویق انداخت. آنقدر در جواب کافدهای خانواده‌اش असرز و فردا کرد که آنها از رو رفتند و دیگر سراسفی از درنده‌نشان نگرفتند. فقط خبر دارد که خوانده شوهر کرده و برادرش برای خودش کرگدن تمام‌عیاری شده... آخ که شکارچیان نامرد، پدرش را بی‌هوش کرده بودند و شاخ زبیاش را بریده بودند و به درودگران ژاپنی فروخته بودند. حالا شاخ پدرش، به جای اینکه روی دماغش باشد، چسبی شده و به دست مرد ثروتمندی در تانزانیا افتاده. خودش از توی اینترنت رد شاخ را گرفته بود و به طور آنلاین در جریان حراج چپق قرار گرفته بود. برای اینکه روی زخم پدرش مرهمی گذاشته باشند نام‌ای نوشت و به دروغ گفت شاخ را- یعنی شاخ چپق‌شده را- توی یک مراسم خیریه، به نفع کودکان بی‌سرپرست، به یک پولدار خیر فروخته‌اند. از خواهرش شنیده بود که از آن پس پدرشان تنگ بی‌شاخی را بنهان نمی‌کرده، بلکه با افتخار آن را نشان همه می‌داده.

دکد کمی جلوتر، یک پلنگی کنار خیابان ایستاده و راه را بند آورده. پلنگ؟ اینجا؟ کنار خیابان؟ جلوتر که رفت، دید یک خانم متشخص است که پالتوی پوست‌پلنگی پوشید و منتظر تاکسی ایستاده. آخ که چقدر پیشش می‌سوزید. کرگدن حالا یک ابو درودی کامل شده بود؛ از بس که درد و مرض به جانش آمده و بیرون رفته. قلاب توی بیشه کش می‌آید از این درد و مرض‌ها را هم نداشت. اول میگردن لعنتی به سراغش آمد، بعد هم‌روئید... میگردن درد بدی است، اما هم‌روئید از آن هم بدتر است. میگردن را لااقل خجالت نمی‌کشید که به همه بگوید، اما هم‌روئید را حتی بدتر دکتر رفتن هم شرمند بود که یک بار که کارش به استخوانش رسید، دو رفته بود بهیمراستان که به دادرش برسد. از شانس او آن روز، روز کارآموزی اترن‌ها بوده و دکتر معالج، خوشحال از اینکه یک کیس خاص گیرش آمده، همه دانشجویا را به صف کرد بود تا به نوبت بیایند و زخمش را وارسی کنند و نظر بدهند. از آن روز عهد کرده بود که هر بمرد هم دردهای پنهانی‌اش را نشان غریبه‌ها ندهد. داشت به درد و مرض‌های دیگرش فکر می‌کرد که رسید به مقصدش. دم در انجمن حیوانات مقیم مرکز، یک نفر بساط کرده بود و داشت کتاب‌های کهنه می‌فروخت. نگری سرسری انداخت و کتاب «فرهنگ مواد مخدر» را پیدا کرد. بی‌معطلی کتاب را برداشت. کتابفروش روی یک تکه مقوا نوشته بود «همه رقم کتاب، ۵۰۰ تومان». اما وقتی کرگدن ۵۰۰ تومان داد، دبه کرد که «این یک کتاب، استثناست و ۱۵۰۰ تومان قیمت دارد». کرگدن با دلخوری هزار تومن دیگر هم داد و وارد انجمن شد... ادامه دارد.

سکانس آخر

نمایش مستند «شییه‌خوانی» بهمن کیارستمی در خانه سینما
فیلم مستند «شییه‌خوانی» به کارگردانی بهمن کیارستمی در برنامه نمایش این هفته انجمن مستندسازان سینمای ایران امروز روی پرده می‌رود. به گزارش سینما این مستند ۵۲ دقیقه‌ای به شییه‌خوانی و چهره‌های مطرح این عرصه می‌پردازد. فرزین خسروشاهی و بهمن کیارستمی تصویربرداران فیلم بوده‌اند، بهروز عابدینی و بابک سالک صدابرداری را بر عهده داشته‌اند و کیارستمی خودش آن مستند را تدوین کرده است. مستند «شییه‌خوانی» امروز ساعت ۱۷:۳۰ در خانه سینما به نمایش درمی‌آید. پس از آن هم نشست پرسش و پاسخ برگزار خواهد شد. نمایش هفتگی انجمن مستندسازان سینمای ایران ، دوشنبه هر هفته در خانه سینما، واقع در خیابان بهار جنوبی، کوچه سفاه، پلاک ۲۳ برگزار می‌شود.

بازتاب

بازداشت شدانگ دوبلور نیستند

روز چهاردهم آذرماه خبری مبنی بر دستگیری تعدادی به اصطلاح دوبلور و سپس استنودیهو غیرمجاز، در روزنامه‌های به چاپ رسید. در همین رابطه ناصر ممدوح رئیس انجمن گویندگان نوشت:افراد دستگیرشدهو گروههایی کهمدت‌هاست به صورت مخفی و زیرزمینی فعالیت می‌کنند،دوبلور نبوده و هیچ‌گونه ارتباطی بانجمن گویندگان وسرپرستان گفتارفیلم (دوبلاژ ایران) که گویینگذار هنر دوبله در ایران است، ندارند.